الگوی تربیتی اقتصادی بانوان در قرآن

پدید آورنده : هادی حسین خانی ، صفحه 2

الگو در تربیت اقتصادی

هر چند موارد نادری را می توان فرض کرد که فعالیت های اقتصادی به صورت فردی است، ولی بیشتر فعالیت های اقتصادی با تعامل اجتماعی همراه است.

قرآن کریم در تربیت بانوان، در ابعاد اقتصادی، ضمن صحه گذاردن بر تلاش اقتصادی آنان، به نکات قابل توجهی در مورد چگونگی فعالیت های اقتصادی بانوان اشاره می کند که در این قسمت به بررسی این موارد می پردازیم.

تلاش برای تأمین معاش

نمونه تلاش اقتصادی بانوان را در دختران شعیب مشاهده می کنیم. آنان که پدرشان پیر و از کار افتاده بود و مسئولیت سخت دامداری و آب دادن گوسفندان پدر را بر عهده داشتند؛

وَ وَجَدَ مِن دُونِهِم امْرأتَینِ تَذُودانِ قالَ ما خَطبُکُما قالَتا لا نَسقِی حَتّی یُصدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبونا شَیخٌ کَبیرٌ. (قصص/ 23)

از پسِ مردم، (موسی) دو زن را دید که (چارپایان خود را) جمع می کردند. (موسی) گفت: کار شما چیست؟ گفتند: ما آب نمی دهیم تا آن که شبانان، (چارپایان خود را از آبشخور) باز گردانند.

زن و فعالیت های سخت اقتصادی

ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا طبیعت بانوان با انجام فعالیت های سخت اقتصادی هماهنگ است و آنان نیز باید در دشوارترین امور اقتصادی دوشادوش مردان به فعالیت بپردازند یا این که، با وجود بدون اشکال بودن احراز مشاغل درآمدزا برای بانوان، با توجه به شرایط جسمی آنان، بهتر است در شرایط غیر ضروری به انجام کارهای سخت و طاقت فرسا نپردازند؟

به نظر می رسد که شرایط جسمی بانوان، به طور معمول، اقتضای انجام اموری را که نیازمند طاقت و توان زیاد باشد ندارد، ولی در عین حال مشاهده می کنیم که دختران شعیب، مشکل ترین امور اقتصادی را عهده دار بودند. اما حقیقت آن است که زنان در شرایط عادی از انجام چنین تکالیفی پرهیز نموده و آن را بر عهده مردان می گذارند. در موردی که بیان شد، شرایط اضطراری حکم می کرد که آن ها با وجود بی میلی، به انجام چنین اموری اقدام نمایند. وقتی موسی(علیه السلام) دختران شعیب را در کنار چاه مدیَن مشاهده کرد، که تنها به مراقبت از گوسفندان خود مشغول اند، از آنان پرسید: شما این جا چه می کنید؟ آنان گفتند: تا چوپانانْ گوسفندان خود را آب ندهند، ما جلو نمی رویم. و سپس گفتند: «و پدر ما، پیری فرتوت است»1. به نظر می رسد که گفتن این جمله به موسی(علیه السلام) برای بیان این است که شرایط اضطراری و ناتوانی پدر باعث شده است تا این دختران چنین کار مشکلی را انجام دهند، کاری که هم بسیار وقت گیر است2، هم بسیار طاقت فرسا.3 شاهد این مطلب آن است که به محض این که دختر شعیب قوّت و امانت موسی را آزمود، برای آن که خود و خواهرش را از انجام این فعالیت توان فرسا، که مستلزم برخورد با مردان بیگانه بود، رهایی بخشد؛ پیشنهاد استخدام او را به پدر داد.

عفاف در فعالیت های اقتصادی

نحوه عمل دختران شعیب(علیه السلام) در آب دادن گوسفندان، نمونه بارز فعالیت اقتصادی با مراعات عفاف کامل است. آنان برای پرهیز از اختلاط بی مورد با مردان بیگانه، مدتی صبر می کردند و حتی نوبت خود را از دست می دادند تا آن چوپانان بی انصاف و بی ملاحظه، از آب دادن چارپایان خود فارغ شوند و آن گاه با رعایت عفت و نجابت، به گوسفندان خود آب می دادند. حتی می توان گفت آن چه که موجب شد تا موسی (علیه السلام)، با وجود خستگی فراوانِ ناشی از پیمودن راه طولانی مصر تا مدین، به کمک آنان بشتابد؛ همین بود که در رفتار آنان در کنار چاه، حجب و حیای آنان را مشاهده کرد و آن گاه که ماجرا را پرسید، از کلام آن ها نیز دریافت که تعلل آنان در آب دادن گوسفندان به خاطر حجب و عفاف آنان و ظلم و تعدی مردم بوده است.4

نکته مهم در این داستان، آن است که دختران شعیب که انجام این کار را موجب برخورد با نامحرمان می دانستند، هرگز اصل فعالیت اقتصادی خود را متوقف نکردند، بلکه ملتزم بودند که در کار، متانت و عفاف خود را حفظ کنند.

رعایت حلال و حرام

دختران شعیب که از طهارت اقتصادی برخوردار بودند، در طول مدت نسبتاً طولانی انتظار، مراقب بودند که گوسفندانشان با گوسفندان دیگران مخلوط نشود؛4 «وَ وَجَد مِن دُونِهم امرأتَینِ تَذودانِ...» و نه ضرری متوجه آنان شده و نه دیگر گوسفندان را به اشتباه تصاحب کنند.

از جنبه منفی نیز، درخواست نادرست همسران پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در مورد اختصاص غنایم جنگ خیبر به آنان قابل اشاره است که این درخواست با واکنش منفی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و توبیخ قرآن مواجه شد و خداوند آنان را مخیر به گزینش زندگی با رسول خدا و قناعت به زندگی ساده او یا انتخاب دنیا و زینت های آن و جدایی از آن حضرت نمود.6

هوشمندی اقتصادی

دختر شعیب (علیه السلام) هنگامی که پیشنهاد استخدام موسی (علیه السلام) را به پدر داد، دو ویژگی را به عنوان بهترین ویژگی هایش برشمرد: قدرت و امانت؛ «إنَّ خَیرَ مَنِ اسْتَأجَرتَ القَوِیُّ الأمینُ»6 و در این جمله کوتاه، مهم ترین و اصولی ترین شرایط مدیریت را در این دو ویژگی خلاصه کرد. البته منظور از قدرت، تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است. بنابراین، در انجام فعالیت های جسمی، قدرتمندی به نیروی جسمی و در فعالیت های فکری، قدرتمندی به توان و قوت فکری مربوط می شود. منطق این زن، که همان منطق قرآن است، آن است که در سپردن مسئولیت ها باید دو ملاک مهمِ توان مندی و امانت داری، یا به تعبیر دیگر تخصص و تعهد مورد توجه قرار گیرد و اگر یکی از این دو ویژگی در فرد کارگزار نباشد، آسیب های غیر قابل جبرانی برای کارفرما به بار خواهد آورد. درایت و هوشمندیِ دختر شعیب در آن است که هم این دو عنصر اساسی در سپردن مسئولیت را به سادگی بیان کرد، هم مصداق آن را در وجود موسی (علیه السلام) یافت و هم این پیشنهاد ارزشمند اقتصادی خود را به پدر ارایه نمود.

الگوی منفی این ویژگی را نیز می توان در زنی یافت که با رنج و زحمت فراوان به انجام فعالیت اقتصادی می پرداخت و پس از آن که کارش به پایان می رسید، نتیجه زحماتش را به هدر می داد:

وَ لا تَکُونُوا کَالَّتی نَقَضَت غَزلَها مِن بَعدِ قُوَّةٍ أنکاثاً...؛ و همانند آن زن مباشید که رشته ای را که محکم تافته بود، از هم گشود و قطعه قطعه کرد... .(نحل / 92)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که او زنی از قبیله بنی تمیم بود و نامش «ریطة بنت کعب بن سعد» و زنی احمق بود که مو را می تافت و سپس بافته خود را می گشود و باز دوباره همین عمل نابخردانه را تکرار می کرد.8 البته قرآن کریم این مَثَل را برای اهمیت دادن به پیمان های اجتماعی مورد استفاده قرار داده و فرموده است مانند آن زن نباشید و گره پیمان هایی را که با نام خدا محکم کرده اید، نگشایید، ولی، این نکته اقتصادی نیز به دست می آید که هر فعالیت اقتصادی باید هدفمند بوده و برای نیل به رشد اقتصادی انجام شود. هم چنان که لازم است این روند تا به دست آمدن نتیجه، تداوم یابد و پس از رسیدن به نتیجه مطلوب از ثمرات به دست آمده حراست شود و از انجام هر کاری که دستاوردهای حاصل را از بین برد، پرهیز شود. نتیجه دیگری که از این آیه گرفته می شود این است که لازم است دو طرف یک پیمان اقتصادی تا آخر نسبت به پیمان خود وفادار مانده و به محض مشاهده «طرف» مناسب تر، به شکستن یک جانبه عهد خود مبادرت نکنند؛ زیرا خداوند فرموده است:

وَ لا تَکُونُوا کَالَّتی نَقَضَتْ غَزْلَها مِن بَعدِ قُوَّةٍ أنکاثاً تَتَّخِذُونَ أیمانَکُم دَخَلاً بَینَکُم أَن تَکُونَ أمَّةٌ هِیَ أَربی مِن أمَّةٍ إنَّما یَبلُوکُم اللّهُ بِهِ...؛ و همانند زنی نباشید که پشم هایی را که می بافت، پس از محکم داشتنش، رشته رشته وا می تافت، تا سوگندهایتان را دستاویز دغلی کنید، به خیال این که امتی از امت دیگر بیشتر و پیشتر است. جز این نیست که شما را به آن می آزماید... . (نحل / 92)

پی نوشت ها:

1ـ چون آنان تا تمام چوپانان نمی رفتند، گوسفندان خود را آب نمی دادند: لا نسقی حتی یصدر الرعاء... .

2ـ این مطلب از آن جا برداشت می شود که دختر شعیب با دیدن آب کشیدن موسی از چاه او را فردی نیرومند دانست. (تفسیر قمی، ج 2، ص 138).

3ـ تفسیر المیزان، ج 16، ص34.

4ـ قصص/ 23.

5ـ تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 387.

6ـ احزاب/ 28 و 29.

7ـ قصص/ 26.

8ـ تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 82.